الف) اشکال به تواتر قرائات

زرکشی دو حرف دارد که هر دوی آنها بی خودی است. دیروز یکی از آنها را گفتم. با اینکه بزرگ است و خیلی زحمت کشیده است. البرهان فی علوم القرآن او برای خودش چیزی است. اما مانعی ندارد که در فضای مباحثه اینطور بگوییم. عرض میکنم که چرا این حرفها پیش آمده. گاهی یک حرفی برای حل کردن یک فضا یک بحران است؛ میبینیم راه بهتری دارد؛ اصلاً راهش این نبوده. یک حرفی را برای حل این بحران در میآورد. این حرف بی خودی است. غیر از این است که حرف بی خودی زده است. گاهی میبینید یک بحران و حلی دارد. این دو حرف برای او است. یکی از آنها را دیروز خواندیم.

گفت «تواترها عن النبی فیه اشکال». چرا؟ چون سندهای آنها آحاد است؛ واحد از واحد است. خب این حرف بود که مثل او بزند؟! من از خود کتاب البرهان او آوردهام. در فدکیه هم گذاشتهام. خودش مواردِ متواتری را ذکر میکند؛ سندهای مختلفی را ذکر میکند که واحد از واحد نیست.

بازبینی #2
ایجاد شده 18 آوریل 2024 13:50:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:56:31 توسط ... .